

Islamic Knowledge and Insight

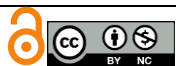
Comparative Study of Hadith Teachings on Ethics and Practical Philosophy: An Analysis of the Concepts of Good and Evil

1. Leila Heydari: Department of History and Civilization of Islamic Nations, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran
2. Majid Sadeghi Nejad*: Department of History and Civilization of Islamic Nations, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran (Email: sadeghinejad426@gmail.com)

Abstract

The concepts of good and evil are foundational topics in Islamic ethics and practical philosophy, consistently engaging the attention of philosophers and religious scholars. This study aims to comparatively analyze the teachings of Hadith and practical philosophy regarding these two essential concepts. Initially, the research introduces and examines the notions of good and evil in practical philosophy, where philosophers like Avicenna and Al-Farabi define good as the pursuit of perfection and moral virtues, and evil as the deficiency and deviation from this path. Subsequently, relevant Hadiths are explored, illustrating that good is characterized by obedience to God and adherence to divine commandments, while evil is depicted as disobedience and estrangement from divine mercy. In the comparative analysis section, the similarities and differences between these two perspectives are scrutinized. The findings indicate that both approaches emphasize the importance of justice, honesty, and benevolence towards others; however, they differ in defining the origin and nature of good and evil. Hadith teachings focus on religious and spiritual aspects, whereas practical philosophy centers on rational principles and social outcomes. The study concludes that integrating these two viewpoints can contribute to the formation of a comprehensive and applicable ethical system that encompasses both religious dimensions and rational principles. Suggestions for future research include examining the social and cultural impacts of these concepts and adapting traditional teachings to contemporary needs.

Keywords: Good, Evil, Islamic Hadiths, Practical Philosophy, Islamic Ethics, Avicenna, Al-Farabi, Comparative Analysis, Ethical System, Moral Concepts



How to cite: Heydari, L., & Sadeghi Nejad, M. (2023). Comparative Study of Hadith Teachings on Ethics and Practical Philosophy: An Analysis of the Concepts of Good and Evil. *Islamic Knowledge and Insight*, 1(2), 55-63.

© 2023 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 9 November 2023

Revise Date: 22 December 2023

Accept Date: 6 January 2024

Publish Date: 12 January 2024

معرفت و بصیرت اسلامی

بررسی تطبیقی آموزه‌های حدیثی در باب اخلاق و فلسفه عملی: مطالعه‌ای بر مفاهیم خیر و شر

۱. لیلا حیدری: دانشکده تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، مشهد، ایران
۲. مجید صادقی نژاد*: دانشکده تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، مشهد، ایران (پست الکترونیک: sadeghinejad426@gmail.com)

چکیده

مفاهیم خیر و شر به عنوان بنیادی‌ترین موضوعات در اخلاق و فلسفه عملی اسلامی همواره مورد توجه فلاسفه و علمای دینی بوده‌اند. این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی آموزه‌های حدیثی و فلسفه عملی در باب این دو مفهوم اساسی صورت گرفته است. در این مطالعه، ابتدا به معرفی و تحلیل مفاهیم خیر و شر در فلسفه عملی پرداخته شده است، جایی که فیلسوفانی مانند ابن‌سینا و فارابی خیر را به عنوان حرکت به سوی کمال و فضایل اخلاقی و شر را به عنوان نقصان و انحراف از این مسیر تعریف کرده‌اند. سپس، احادیث مربوط به خیر و شر مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در آن‌ها خیر به معنای اطاعت از خداوند و عمل به دستورات الهی و شر به معنای نافرمانی و دوری از رحمت الهی معرفی شده است. در بخش تحلیل تطبیقی، شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو دیدگاه مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که هر دو رویکرد بر اهمیت عدالت، صداقت و نیکی به دیگران تأکید دارند، اما در تعریف منشأ و ماهیت خیر و شر تفاوت‌هایی وجود دارد. آموزه‌های حدیثی بر جنبه‌های دینی و معنوی تأکید دارند، در حالی که فلسفه عملی بر اصول عقلانی و نتایج اجتماعی متمرکز است. این پژوهش به این نتیجه می‌رسد که ترکیب این دو دیدگاه می‌تواند به شکل‌گیری یک نظام اخلاقی جامع و کاربردی کمک کند که هم جنبه‌های دینی و هم اصول عقلانی را در برگیرد. همچنین، پیشنهاداتی برای پژوهش‌های آینده ارائه شده است، از جمله بررسی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی این مفاهیم و انطباق آموزه‌های سنتی با نیازهای معاصر.

کلیدواژگان: خیر، شر، احادیث اسلامی، فلسفه عملی، اخلاق اسلامی، ابن‌سینا، فارابی، تحلیل تطبیقی، نظام اخلاقی، مفاهیم اخلاقی.

شبهه استناددهی: حیدری، لیلا، و صادقی نژاد، مجید. (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی آموزه‌های حدیثی در باب اخلاق و فلسفه عملی: مطالعه‌ای بر مفاهیم خیر و شر. معرفت و بصیرت اسلامی، ۱(۲)، ۵۵-۶۳.

© ۱۴۰۲ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۸ آبان ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۱ دی ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۶ دی ۱۴۰۲

تاریخ چاپ: ۲۲ دی ۱۴۰۲

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح در فلسفه عملی و اخلاق، تبیین دقیق و معنادار مفاهیم خیر و شر است. این دو مفهوم بنیادین، از دیرباز در آثار فلسفی و مذهبی مطرح بوده و در تعیین رفتارهای اخلاقی انسان نقش بسزایی داشته‌اند. در سنت اسلامی نیز، این دو مفهوم در متون حدیثی و فلسفه عملی جایگاه ویژه‌ای دارند و تأثیرات عمیقی بر نظام‌های اخلاقی و اجتماعی مسلمانان داشته‌اند. مفاهیم خیر و شر در احادیث نبوی و روایات اهل بیت (ع) به صورت جزئی و کاربردی مطرح شده و بر جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها تأکید دارند. از سوی دیگر، فیلسوفان اسلامی نیز با بهره‌گیری از این مفاهیم، تلاش کرده‌اند تا نظریه‌های جامع و منسجمی درباره اخلاق و فلسفه عملی ارائه دهند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸).

بررسی تطبیقی این دو حوزه از یک سو به شناخت عمیق‌تر مبانی اخلاقی و دینی کمک می‌کند و از سوی دیگر، تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود میان آموزه‌های حدیثی و فلسفی را نمایان می‌سازد. احادیث، به عنوان یکی از منابع اصلی تعلیمات اخلاقی در اسلام، همواره به عنوان یک مرجع مهم برای تعیین معیارهای خیر و شر مورد توجه قرار گرفته‌اند. با این حال، پرسش مهم این است که تا چه اندازه این مفاهیم با دیدگاه‌های فلسفی عملی که مبتنی بر عقل و استدلال‌های منطقی است، همخوانی دارند و در چه مواردی اختلاف نظر وجود دارد (مطهری، ۱۳۷۸).

یکی از نکات قابل توجه در این زمینه، تأکید احادیث بر پیوند اخلاق با ایمان دینی است. در بسیاری از روایات، خیر به عنوان نتیجه‌ای از ایمان قوی به خداوند و پیروی از دستورات او معرفی شده و شر به عنوان مخالفت با اوامر الهی تلقی شده است (کلینی، ۱۳۸۳). این در حالی است که در فلسفه عملی، خیر و شر به طور معمول از زاویه دیگری بررسی می‌شوند و بر اساس تأثیرات اجتماعی و نتایج عملی آنها ارزیابی می‌گردند. در این چارچوب، عمل خیر عملی است که به نفع جمع و بر اساس عدالت و فضیلت باشد و شر عملی است که

به دیگران آسیب برساند و باعث تضعیف جامعه گردد (فارابی، ۱۳۸۲).

هدف این پژوهش، بررسی تطبیقی آموزه‌های حدیثی در باب اخلاق و فلسفه عملی درباره مفاهیم خیر و شر است. در این راستا، تلاش می‌شود تا به این پرسش پاسخ داده شود که چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان دیدگاه‌های حدیثی و فلسفی در این زمینه وجود دارد و چگونه می‌توان از این آموزه‌ها برای تبیین معیارهای اخلاقی و رفتار عملی استفاده کرد. علاوه بر این، پژوهش حاضر به دنبال تحلیل تأثیرات این مفاهیم بر نظام‌های اخلاقی و اجتماعی اسلامی است و بررسی می‌کند که چگونه آموزه‌های حدیثی و فلسفی می‌توانند به شکل‌گیری الگوهای عملی در جامعه مسلمانان کمک کنند.

در این پژوهش، از روش توصیفی و تحلیلی برای مقایسه و بررسی آموزه‌های حدیثی و فلسفه عملی استفاده می‌شود. در بخش توصیفی، ابتدا به معرفی مفاهیم خیر و شر در احادیث و فلسفه عملی پرداخته می‌شود و در بخش تحلیلی، تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو حوزه بررسی می‌گردد. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این بررسی، تأکید بر جنبه‌های عملی این مفاهیم است؛ زیرا هدف نهایی هر دو حوزه اخلاق و فلسفه عملی، هدایت رفتار انسان‌ها به سمت خیر و دوری از شر است (ابن سینا، ۱۳۹۷).

با توجه به اهمیت روزافزون مسائل اخلاقی در دنیای معاصر، بررسی تطبیقی این دو حوزه می‌تواند به درک عمیق‌تری از مبانی اخلاقی و فلسفی اسلام کمک کند. آموزه‌های حدیثی به عنوان منابع الهی و سنتی، همواره در میان مسلمانان از اهمیت بالایی برخوردار بوده و تأثیرات عمیقی بر رفتارها و نگرش‌های اخلاقی آنان داشته است. از سوی دیگر، فلسفه عملی با توجه به مبانی عقلی و منطقی، تلاش می‌کند تا معیارهایی برای زندگی اخلاقی و عملی ارائه دهد که فارغ از مسائل دینی نیز قابل قبول باشد (غزالی، ۱۳۸۱). این پژوهش تلاش می‌کند تا با بررسی تطبیقی این دو حوزه، راهکارهایی برای ایجاد

همگرایی بیشتر میان آموزه‌های دینی و فلسفی ارائه دهد و به ارتقای سطح تفکر اخلاقی در جوامع اسلامی کمک کند.

مبانی نظری

مفاهیم خیر و شر از مباحث بنیادی در فلسفه عملی و اخلاق اسلامی به شمار می‌آیند که همواره موضوع بررسی فیلسوفان و عالمان دینی بوده‌اند. در فلسفه عملی، خیر به عنوان هدف غایی زندگی انسانی و شر به عنوان عاملی مخرب در مسیر دستیابی به این هدف تعریف می‌شود. از دیدگاه فیلسوفانی چون ابن‌سینا و فارابی، خیر با فضایل اخلاقی، مانند عدالت، حکمت و شجاعت، پیوند خورده و شر به معنای نقصان و انحراف از این فضایل تلقی می‌شود. فارابی در آثار خود، خیر را نتیجه‌ی همسویی عقل و اراده انسان با قوانین طبیعی و اجتماعی دانسته و شر را نتیجه‌ی نادیده گرفتن این قوانین معرفی کرده است (فارابی، ۱۳۸۲). در همین راستا، ابن‌سینا نیز در "الاشارات و التنبیها" بر این باور است که خیر امری است که به کمال انسان می‌انجامد و شر عاملی است که مانع از این کمال می‌شود. او شر را به عنوان نوعی نقصان در وجود یا حرکت انسان معرفی می‌کند که از ناتوانی یا جهالت ناشی می‌شود (ابن‌سینا، ۱۳۹۷).

در سنت اسلامی، مفاهیم خیر و شر در احادیث نیز به تفصیل مطرح شده‌اند. احادیث فراوانی از پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) درباره مصادیق خیر و شر به جای مانده که هر یک به نوعی به تبیین معیارهای اخلاقی اسلامی می‌پردازند. در روایات اسلامی، خیر غالباً به معنای اطاعت از خداوند و عمل به دستورات الهی معرفی شده است. به طور مثال، در حدیثی از امام علی (ع) آمده است: "خیر آن است که با تقوا و پرهیزگاری همراه باشد" (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۴۹). این حدیث نشان می‌دهد که در نگاه امام علی (ع)، معیار اصلی خیر، تقوای الهی و رعایت ارزش‌های دینی است. به همین ترتیب، شر نیز به معنای مخالفت با اوامر الهی و انجام اعمالی است که موجب زیان به فرد یا جامعه می‌شود. به عنوان نمونه، در روایتی از پیامبر اسلام (ص) آمده است: "شر آن است که دل انسان را تاریک و دور از

رحمت خداوند کند" (کلینی، ۱۳۸۳). در این روایت، شر به عنوان نوعی تاریکی و انحراف از مسیر هدایت الهی تعریف شده است. ارتباط میان اخلاق حدیثی و فلسفه عملی در سنت اسلامی همواره مورد توجه فیلسوفان و علمای دینی بوده است. اخلاق حدیثی، مبتنی بر تعالیم قرآن و سنت پیامبر و امامان معصوم، به طور عمده به تربیت اخلاقی فرد و جامعه از طریق اعمال دینی و پرهیز از گناهان می‌پردازد. در مقابل، فلسفه عملی بر پایه عقل و استدلال‌های منطقی، تلاش می‌کند تا معیارهای اخلاقی را به گونه‌ای تعریف کند که درک و عمل به آنها برای همه افراد، فارغ از دین و مذهب، ممکن باشد (غزالی، ۱۳۸۱). این دو رویکرد در بسیاری از موارد با یکدیگر همپوشانی دارند؛ برای مثال، هر دو بر اهمیت عدالت، صداقت و نوع‌دوستی به عنوان معیارهای اخلاقی تأکید می‌کنند. اما تفاوت‌های مهمی نیز میان آنها وجود دارد. فلسفه عملی، معمولاً بر نتیجه‌گرایی و تأثیر اعمال بر جامعه تأکید دارد، در حالی که اخلاق حدیثی بیشتر بر نیت و انگیزه فرد تمرکز دارد و اعمال را بر اساس میزان نزدیکی آنها به دستورات الهی می‌سنجد (مطهری، ۱۳۷۸).

در نتیجه، آموزه‌های حدیثی و فلسفه عملی هر دو به نوعی به تبیین معیارهای خیر و شر در زندگی انسانی پرداخته‌اند، اما از دو زاویه متفاوت به این موضوع نگاه کرده‌اند. احادیث با تأکید بر پیروی از دستورات الهی، سعی در تربیت فردی و جمعی مسلمانان دارند و فلسفه عملی با تکیه بر عقل و استدلال، به دنبال ایجاد یک نظام اخلاقی فراگیر و قابل درک برای همه انسان‌ها است. این دو رویکرد می‌توانند مکمل یکدیگر باشند و به شکل‌گیری یک نظام اخلاقی جامع و کاربردی کمک کنند که هم جنبه‌های دینی و هم جنبه‌های عقلی و عملی را در بر گیرد. برای مثال، در روایات اسلامی، عمل به عدالت به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مصادیق خیر معرفی شده است و فیلسوفان نیز عدالت را به عنوان یک اصل اساسی در زندگی اجتماعی انسان‌ها می‌دانند (ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۵). این همگرایی میان اخلاق حدیثی و فلسفه عملی نشان می‌دهد که می‌توان از آموزه‌های هر دو حوزه برای تدوین نظام‌های اخلاقی و رفتاری

استفاده کرد که هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی مؤثر باشد.

به طور کلی، مفاهیم خیر و شر در اسلام و فلسفه عملی، هرچند با رویکردهای متفاوتی تبیین شده‌اند، اما هر دو در تلاش‌اند تا انسان را به سوی کمال اخلاقی و رفتاری هدایت کنند. از طریق بررسی تطبیقی این دو حوزه، می‌توان به درک عمیق‌تری از مبانی اخلاقی و فلسفی در اسلام دست یافت و راهکارهایی برای پیوند میان دین و عقل در عرصه اخلاق عملی ارائه داد.

بررسی تطبیقی مفاهیم خیر و شر در احادیث و فلسفه عملی

مفاهیم خیر و شر از دیرباز در تفکر فلسفی و مذهبی جایگاهی ویژه داشته‌اند و هر یک از این دو مفهوم به عنوان ستون‌های اصلی اخلاق و فلسفه عملی مورد توجه قرار گرفته‌اند. در بررسی تطبیقی این مفاهیم میان احادیث و فلسفه عملی، شباهت‌ها و تفاوت‌های مهمی به چشم می‌خورد که درک این شباهت‌ها و تفاوت‌ها می‌تواند به تعمیق فهم اخلاقی و رفتاری انسان‌ها کمک کند. در احادیث اسلامی، مفهوم خیر به طور کلی به معنای اطاعت از دستورات الهی و پیروی از قوانین شریعت تعریف شده است. امام علی (ع) در نهج البلاغه خیر را به عنوان نتیجه تقوا و پرهیزگاری معرفی می‌کند و می‌فرماید: "خیر آن است که به طاعت خداوند پیوند خورده باشد" (نهج البلاغه، حکمت ۳۴۹). این دیدگاه در احادیث دیگر نیز تکرار شده است، به طوری که خیر همواره با فضیلت‌هایی همچون صداقت، عدالت و نیکی به دیگران همراه بوده است (کلینی، ۱۳۸۳).

از سوی دیگر، در فلسفه عملی، مفهوم خیر از دیدگاه عقلانی و استدلالی مورد بررسی قرار می‌گیرد. فیلسوفان بزرگی مانند ابن‌سینا و فارابی، خیر را نتیجه همسویی عقل با فضیلت‌های اخلاقی و کمال انسانی می‌دانند. ابن‌سینا در "الاشارات و التنبيهات" خیر را به معنای حرکت به سوی کمال و تحقق توانمندی‌های بالقوه انسان تعریف می‌کند (ابن‌سینا، ۱۳۹۷). او معتقد است که خیر در واقع همان چیزی است که به نفع روح انسان است و او را به سوی سعادت نهایی هدایت

می‌کند. فارابی نیز در کتاب "الفضائل" خیر را نتیجه سازگاری عقل و اراده انسان با قوانین طبیعی و اجتماعی می‌داند (فارابی، ۱۳۸۲). او تأکید دارد که خیر نه تنها در سطح فردی بلکه در سطح اجتماعی نیز باید مورد توجه قرار گیرد، زیرا جامعه‌ای که بر اساس فضیلت‌های اخلاقی بنا شده باشد، خود مظهر خیر است.

مفهوم شر نیز در هر دو سنت حدیثی و فلسفی جایگاه ویژه‌ای دارد. در احادیث اسلامی، شر به معنای انجام اعمالی است که مخالف دستورات الهی و موجب آسیب به خود و دیگران می‌شود. امام صادق (ع) در حدیثی می‌فرماید: "شر آن است که انسان را از مسیر هدایت دور کند و به زیان خویش و دیگران عمل کند" (کلینی، ۱۳۸۳). شر در این دیدگاه نوعی تاریکی و انحراف از راه حق است که انسان را از قرب الهی دور می‌کند و به سوی گمراهی سوق می‌دهد. در حالی که در فلسفه عملی، شر بیشتر به معنای نقص و عدم هماهنگی با اصول عقلانی و اخلاقی است. ابن‌سینا شر را نوعی نقصان در وجود یا حرکت انسان می‌داند که از ناتوانی در تشخیص حقایق یا ضعف در اراده ناشی می‌شود (ابن‌سینا، ۱۳۹۷). به باور او، شر به معنای نبود خیر است و وجود مستقل ندارد، بلکه نتیجه نقصان یا فقدان کمال است. شباهت‌هایی میان این دو دیدگاه نیز وجود دارد. هر دو سنت حدیثی و فلسفی بر این باورند که شر نتیجه انحراف از مسیر حقیقت و کمال است. در حالی که احادیث بیشتر بر جنبه‌های دینی و الهی شر تأکید دارند، فلسفه عملی با نگاهی عقلانی‌تر به این موضوع پرداخته و شر را به عنوان نوعی نقص در هماهنگی عقل و اراده انسان تعریف می‌کند. تفاوت اصلی میان این دو دیدگاه در منشأ شر است؛ در احادیث، شر نتیجه نافرمانی از خداوند و ترک دستورات الهی است، در حالی که در فلسفه عملی، شر بیشتر به ضعف‌های عقلانی و اخلاقی انسان بازمی‌گردد.

این مفاهیم خیر و شر تأثیرات عمیقی بر رفتار اخلاقی و تصمیمات انسانی دارند. آموزه‌های حدیثی به طور مستقیم بر رفتارهای فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارند و از افراد می‌خواهند که با پیروی از دستورات الهی، از شر پرهیز کرده و به خیر عمل کنند. در این

چارچوب، اعمال خیر به عنوان اعمالی تلقی می‌شوند که نه تنها به نفع فرد بلکه به نفع جامعه نیز هستند و باعث نزدیکی فرد به خداوند می‌شوند (غزالی، ۱۳۸۱). به طور مشابه، فلسفه عملی نیز بر اهمیت اعمال خیر تأکید دارد، اما این اعمال را بر اساس تأثیرات عقلانی و اجتماعی آنها می‌سنجد. فیلسوفان مانند فارابی و ابن‌سینا معتقدند که اعمال خیر باید به گونه‌ای باشند که باعث رشد عقلانی و اخلاقی فرد شوند و به بهبود جامعه کمک کنند.

آموزه‌های حدیثی و فلسفی هر دو می‌توانند به شکل‌گیری معیارهای اخلاقی در زندگی عملی کمک کنند. در سنت اسلامی، اعمالی مانند صدقه دادن، کمک به نیازمندان و رعایت عدالت به عنوان مصادیق خیر معرفی شده‌اند و انجام آنها موجب تقرب به خداوند می‌شود (کلینی، ۱۳۸۳). در فلسفه عملی نیز، همین اعمال به عنوان فضایل اخلاقی مورد تأیید قرار گرفته‌اند، اما تمرکز بر نتایج اجتماعی و عقلانی آنهاست. به عنوان مثال، فیلسوفان بر این باورند که عدالت نه تنها یک فضیلت فردی بلکه یک نیاز اجتماعی است که برای حفظ نظم و هماهنگی در جامعه ضروری است (فارابی، ۱۳۸۲). از این رو، هم آموزه‌های حدیثی و هم فلسفه عملی تأکید دارند که اعمال خیر باید به گونه‌ای باشند که هم به نفع فرد و هم به نفع جامعه باشند.

به طور کلی، مفاهیم خیر و شر در هر دو سنت حدیثی و فلسفی به طور عمیقی با مسائل اخلاقی و رفتاری انسان‌ها پیوند خورده‌اند. هر چند این دو دیدگاه از زاویه‌های متفاوتی به موضوع نگاه کرده‌اند، اما هر دو در تلاش‌اند تا به ارائه معیارهایی برای هدایت رفتار انسانی کمک کنند. این معیارها می‌توانند هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی مورد استفاده قرار گیرند و به شکل‌گیری یک نظام اخلاقی جامع کمک کنند که هم آموزه‌های دینی و هم اصول عقلانی را در برگیرد. با بررسی تطبیقی این دو دیدگاه، می‌توان به درکی عمیق‌تر از چگونگی تأثیر آموزه‌های دینی و فلسفی بر رفتارهای اخلاقی انسان دست یافت و از این دانش برای تدوین راهکارهای عملی در زندگی روزمره بهره برد.

بحث و بررسی

تحلیل مفاهیم خیر و شر در آموزه‌های حدیثی و فلسفی نشان‌دهنده پیچیدگی‌های فراوانی در تفکر اخلاقی اسلامی است. یکی از مهم‌ترین شباهت‌های این دو دیدگاه در تأکید آنها بر ضرورت تمایز میان خیر و شر و نقش این تمایز در شکل‌دهی به رفتار اخلاقی انسان‌ها است. هر دو دیدگاه، خیر را به عنوان امری که انسان را به سوی کمال و سعادت هدایت می‌کند و شر را به عنوان عاملی که مانع این مسیر است، معرفی می‌کنند. در آموزه‌های حدیثی، مفهوم خیر به شدت با اطاعت از خداوند و عمل به دستورات الهی مرتبط است. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه تأکید می‌کند که خیر واقعی در پیروی از خداوند و پرهیز از اعمال گناه‌آلود است (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۴۹). این دیدگاه در فلسفه عملی نیز تکرار شده است، به‌ویژه در آثار فیلسوفانی مانند ابن‌سینا و فارابی که خیر را با حرکت به سوی فضیلت‌های اخلاقی و عقلانی می‌دانند (ابن‌سینا، ۱۳۹۷).

تفاوت اصلی میان این دو رویکرد در منشأ و تعریف دقیق خیر و شر نهفته است. در احادیث اسلامی، خیر به عنوان نتیجه اطاعت از اوامر الهی تعریف شده است، در حالی که فلسفه عملی، خیر را بیشتر به عنوان امری که با عقل و اخلاق عقلانی همخوانی دارد، می‌شناسد. فارابی در کتاب "الفضائل" بیان می‌کند که خیر به معنای سازگاری عقل انسان با قوانین طبیعی و اجتماعی است و شر نتیجه انحراف از این قوانین است (فارابی، ۱۳۸۲). از سوی دیگر، در احادیث اسلامی، شر بیشتر به معنای نافرمانی از خداوند و انجام اعمالی است که مغایر با دستورات دینی است. به عنوان مثال، در روایتی از پیامبر اسلام (ص) آمده است: "شر آن است که دل انسان را تاریک کند و او را از رحمت خداوند دور سازد" (کلینی، ۱۳۸۳).

این تفاوت‌ها در منشأ تعریف خیر و شر، تأثیرات عملی گسترده‌ای در نظام‌های اخلاقی اسلامی و فلسفی داشته است. در زندگی روزمره، پیروی از آموزه‌های حدیثی به معنای توجه به دستورات الهی در هر عمل و تصمیم است. مثلاً اعمالی مانند صدقه دادن، کمک به نیازمندان و رعایت عدالت در جامعه به عنوان اعمال خیر شناخته می‌شوند که فرد را به خداوند نزدیک‌تر می‌کنند. در فلسفه

عملی نیز، این اعمال به عنوان اعمالی عقلانی و فضیلت مدار معرفی شده‌اند، اما تمرکز بیشتر بر نتایج اجتماعی و تأثیرات آنها بر جامعه است. به عبارت دیگر، در فلسفه عملی، خیر عملی است که به بهبود وضعیت جامعه کمک کند و شر عملی است که به دیگران آسیب برساند و نظم اجتماعی را مختل کند (غزالی، ۱۳۸۱).

نقد و ارزیابی آموزه‌های حدیثی و فلسفی درباره خیر و شر نیز نشان‌دهنده نقاط قوت و ضعف هر دو رویکرد است. یکی از نقاط قوت آموزه‌های حدیثی، تأکید آنها بر پیوند اخلاق با ایمان دینی است. در این دیدگاه، اعمال خیر نه تنها به نفع فرد و جامعه است، بلکه باعث تقرب به خداوند می‌شود و فرد را از عذاب آخرت نجات می‌دهد. این تأکید بر جنبه‌های معنوی و دینی اعمال خیر، یک بعد منحصر به فرد را به آموزه‌های اخلاقی اسلامی اضافه می‌کند که در فلسفه عملی کمتر به آن پرداخته شده است. از سوی دیگر، فلسفه عملی با تکیه بر عقل و استدلال‌های منطقی، تلاش می‌کند تا معیارهایی برای رفتار اخلاقی ارائه دهد که برای همه افراد، فارغ از دین و مذهب، قابل درک و پذیرش باشد. این رویکرد می‌تواند به ایجاد یک نظام اخلاقی جهانی کمک کند که بر پایه اصول عقلانی بنا شده است و به نفع همه انسان‌ها است (مطهری، ۱۳۷۸).

با این حال، یکی از چالش‌های آموزه‌های حدیثی این است که در برخی موارد، تعریف خیر و شر به طور کامل وابسته به دستورات دینی است و ممکن است به راحتی با نیازهای زمانه هماهنگ نشود. به عنوان مثال، برخی احادیث ممکن است اعمال خاصی را به عنوان خیر یا شر معرفی کنند که با شرایط اجتماعی و فرهنگی جدید تطابق کامل نداشته باشد. در مقابل، فلسفه عملی این انعطاف را دارد که با توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی، معیارهای خیر و شر را بازتعریف کند و بر اساس عقل و تجربه‌های جدید، نظام‌های اخلاقی را به‌روزرسانی کند.

در نهایت، هر دو دیدگاه می‌توانند به عنوان منابع مهم برای تدوین نظام‌های اخلاقی و رفتاری مورد استفاده قرار گیرند. آموزه‌های حدیثی با تأکید بر جنبه‌های دینی و معنوی اعمال اخلاقی، به تقویت

ایمان و ارتباط فرد با خداوند کمک می‌کنند و فلسفه عملی با تأکید بر اصول عقلانی و اجتماعی، به بهبود رفتارهای فردی و اجتماعی انسان‌ها می‌پردازد. با بررسی تطبیقی این دو دیدگاه، می‌توان از هر یک از آنها برای تقویت و تکمیل دیگری استفاده کرد و به ایجاد یک نظام اخلاقی جامع و کاربردی دست یافت که هم جنبه‌های دینی و هم اصول عقلانی را در برگیرد.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری از بررسی تطبیقی آموزه‌های حدیثی و فلسفه عملی در باب مفاهیم خیر و شر، بیانگر این است که هر دو دیدگاه، در تلاش هستند تا راهکارهای اخلاقی و رفتاری برای هدایت انسان‌ها به سوی زندگی بهتر ارائه دهند. از یک سو، آموزه‌های حدیثی به شدت بر ارتباط بین اخلاق و ایمان دینی تأکید دارند و خیر را نتیجه‌ی اطاعت از اوامر الهی و شر را نتیجه‌ی نافرمانی از دستورات خداوند می‌دانند. در این دیدگاه، اعمال خیر به عنوان راهی برای تقرب به خداوند و نجات از عذاب آخرت معرفی شده است. در مقابل، فلسفه عملی با تأکید بر عقل و استدلال، خیر و شر را به عنوان مفاهیمی معرفی می‌کند که بر اساس اصول عقلانی و تأثیرات اجتماعی تعریف می‌شوند. از این منظر، خیر به معنای عملی است که باعث بهبود وضعیت عقلانی و اخلاقی فرد و جامعه می‌شود و شر عملی است که منجر به نقصان و اختلال در این وضعیت می‌گردد.

یکی از مهم‌ترین نقاط اشتراک میان این دو دیدگاه، تأکید بر اهمیت عدالت، صداقت و نیکی به دیگران به عنوان مصادیق اصلی خیر است. هرچند در تفسیر جزئیات این مفاهیم اختلافاتی وجود دارد، اما هر دو دیدگاه بر این باورند که خیر باید به گونه‌ای باشد که به نفع فرد و جامعه باشد و شر باید از زندگی انسان‌ها حذف شود. در آموزه‌های حدیثی، فضیلت‌هایی مانند کمک به نیازمندان، رعایت عدالت در قضاوت و پرهیز از گناهان به عنوان مصادیق خیر معرفی شده‌اند و در فلسفه عملی نیز این فضیلت‌ها به عنوان اصولی عقلانی و اخلاقی مورد تأیید قرار گرفته‌اند.

اما تفاوت‌هایی نیز در رویکرد این دو دیدگاه به شر و خیر وجود دارد. آموزه‌های حدیثی بر جنبه‌های دینی و معنوی تأکید دارند و خیر و شر را بر اساس پیروی یا مخالفت با دستورات الهی تعریف می‌کنند. در مقابل، فلسفه عملی بیشتر بر نتایج اجتماعی و عقلانی اعمال تمرکز دارد و سعی می‌کند معیارهای اخلاقی را بر اساس تجربیات انسانی و تحلیل‌های عقلانی تعیین کند. این تفاوت‌ها به ویژه در مسائل مربوط به تعریف دقیق شر و نحوه مقابله با آن بیشتر مشهود است. احادیث اسلامی شر را به عنوان امری که دل را از نور ایمان دور می‌کند معرفی کرده‌اند، در حالی که فیلسوفان شر را نوعی نقصان در توانایی‌های عقلانی و اخلاقی انسان می‌دانند.

پیشنهاداتی که می‌توان برای پژوهش‌های آینده در این حوزه ارائه داد، شامل بررسی دقیق‌تر تأثیرات اجتماعی و فرهنگی این مفاهیم در جوامع اسلامی و غیر اسلامی است. پژوهش‌های آینده می‌توانند به بررسی این موضوع بپردازند که چگونه آموزه‌های حدیثی و فلسفی درباره خیر و شر در جوامع مختلف به کار گرفته شده‌اند و تأثیرات آنها بر رفتارهای اجتماعی و فردی انسان‌ها چیست. همچنین، یکی از زمینه‌های مهم برای پژوهش‌های آتی می‌تواند بررسی همگرایی و تعامل میان این دو دیدگاه باشد. این پژوهش‌ها می‌توانند به کشف راهکارهایی برای ایجاد یک نظام اخلاقی جامع و کاربردی کمک

harmony between the intellect and the natural and social laws governing human existence (Al-Farabi, 2002). He emphasizes that good is not only beneficial on an individual level but also essential for the well-being of society as a whole.

In contrast, the Hadith literature presents a more theologically grounded interpretation of good and evil. Good is frequently associated with obedience to God and adherence to divine commandments. For instance, Imam Ali states, "Good is that which brings one closer to God through piety and righteousness" (Nahj al-Balagha, Wisdom 349). Evil, on the other hand, is characterized by disobedience and actions that distance individuals from divine mercy. The Prophet Muhammad is reported to have said, "Evil is that which darkens

کنند که هم آموزه‌های دینی و هم اصول عقلانی را در برگیرد و به حل مسائل اخلاقی معاصر در جوامع اسلامی و غیر اسلامی کمک کند.

علاوه بر این، بررسی چالش‌هایی که آموزه‌های دینی و فلسفی در مواجهه با تغییرات اجتماعی و فرهنگی معاصر با آن روبه‌رو هستند، می‌تواند یک مسیر پژوهشی جدید و مهم باشد. تغییرات اجتماعی و فناوری‌های نوین ممکن است نیازمند بازنگری در برخی از مفاهیم خیر و شر باشند و پژوهش‌های آینده می‌توانند به تبیین این تغییرات و چگونگی انطباق آموزه‌های سنتی با نیازهای جدید جامعه بپردازند. با توجه به پیچیدگی‌های جدید اجتماعی، پژوهش‌هایی که به تحلیل این مفاهیم از منظر اخلاق جهانی و مقایسه آنها با دیگر نظام‌های اخلاقی غیر اسلامی بپردازند، می‌توانند به فهم عمیق‌تر این موضوع کمک کنند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The concepts of good and evil are fundamental to Islamic ethics and practical philosophy, serving as cornerstones in the moral framework of Muslim societies. This study offers a comparative analysis of Hadith teachings and practical philosophy concerning these pivotal concepts. The research begins by examining the philosophical perspectives of prominent Islamic philosophers such as Avicenna and Al-Farabi. Avicenna defines good as the pursuit of perfection and moral virtues, viewing evil as a deficiency or deviation from this path (Ibn Sina, 1997). He posits that good aligns with the intellectual and spiritual advancement of the individual, leading towards ultimate happiness. Similarly, Al-Farabi considers good to be the

the heart and removes one from the mercy of God" (Al-Kulayni, 2004). These teachings highlight the spiritual consequences of moral actions, linking ethical behavior directly to one's relationship with the divine.

The comparative analysis reveals both similarities and differences between the philosophical and Hadith perspectives. Both approaches underscore the importance of virtues such as justice, honesty, and benevolence. Justice, for example, is universally regarded as a paramount virtue. In philosophical terms, Al-Farabi views justice as essential for social harmony and the realization of human potential (Al-Farabi, 2002). From the Hadith perspective, justice is a divine commandment that ensures balance and fairness in society (Al-Kulayni, 2004). However, the two perspectives diverge in their foundational premises. The philosophical approach relies on rational principles and the innate capabilities of human reason to discern good and evil (Ebrahimi Dinani, 2016). In contrast, the Hadith teachings are rooted in divine revelation and emphasize compliance with God's will as the primary determinant of moral value (Mutahhari, 1999).

The practical implications of these concepts are significant in shaping ethical behavior and decision-making. The Hadith teachings motivate individuals to engage in good deeds through the promise of spiritual rewards and proximity to God. Acts such as charity, aiding the needy, and upholding justice are encouraged as means of achieving divine favor (Al-Ghazali, 2002). Philosophical ethics, while also promoting these virtues, appeal to the rational assessment of actions based on their consequences for individual and societal well-being (Ibn Sina, 1997). This rationalist approach allows for ethical guidelines that can be universally applied, regardless of religious affiliation, emphasizing the role of reason in moral deliberation (Ebrahimi Dinani, 2016).

Critically evaluating both perspectives, the study acknowledges the strengths and limitations inherent in each. The Hadith-based ethical framework offers a robust motivational system

grounded in faith, providing clear directives for moral conduct (Mutahhari, 1999). However, its reliance on religious authority may limit its applicability in pluralistic societies where diverse belief systems coexist. The philosophical approach, with its emphasis on reason and universal principles, facilitates cross-cultural ethical dialogue but may lack the profound spiritual incentives present in the religious teachings (Al-Ghazali, 2002). The potential for integrating these perspectives lies in developing an ethical system that honors the spiritual dimensions of morality while employing rational principles to address contemporary moral challenges (Ebrahimi Dinani, 2016).

In conclusion, the study suggests that a synthesis of Hadith teachings and practical philosophy can lead to a more comprehensive ethical framework. This integrated approach would encompass both the spiritual motivations emphasized in religious teachings and the rational principles advocated by philosophers. Such a framework could address the moral needs of modern societies by providing ethical guidance that is both spiritually enriching and universally accessible. Future research is recommended to explore the application of this integrated ethical system in diverse social contexts, examining how it can inform policy-making, education, and community development. Additionally, studies could investigate the adaptability of traditional ethical teachings in the face of emerging moral dilemmas posed by technological advancements and globalization.

References

- Nahj al-Balagha
 Al-Farabi, A. (2003). *Kitab al-Fada'il* [The Book of Virtues]. Translated by Abolhassan Shirazi. Tehran: Institute for Cultural and Intellectual Studies.
 Al-Ghazali, M. (2002). *Ihya Ulum al-Din* [Revival of the Religious Sciences]. Beirut: Dar al-Ma'arif.
 Al-Kulayni, M. (2004). *Al-Kafi*. Translated by Muhammad Baqir Kamarei. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
 Ebrahimi Dinani, G. (2016). *Reason and Religion: A Comparative Study of Philosophical and Religious Thought*. Tehran: Tahouri Cultural Publishing Institute.
 Ibn Sina, H. (2018). *Al-Isharat wa al-Tanbihat* [Remarks and Admonitions]. Qom: Islamic Publishing Institute.

Mesbah Yazdi, M. T. (2019). Ethics in the Quran: Concepts and Foundations. Tehran: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Motahhari, M. (1999). Philosophy of Ethics. Tehran: Sadra Publications.